

Analysis of existing approaches towards Iranians with dual citizenship and the state's responsibility towards them

Abstract

The topic of dual nationality has become a challenging issue in the Islamic Republic of Iran for many years. This study using a qualitative method and relying on the principle of responsibility in government tries to evaluate the existing approaches towards Iranian dual nationals. The main question is, "What are the existing approaches towards Iranian dual nationality, and what is the government's responsibility towards them?", and the main hypothesis is: "The predominance of a purely threat-oriented or purely opportunity-oriented view during the last few decades among the governments, instead of formulating moderate policies, in addition to making the issue of Iranian dual nationality more complicated and even distancing Iranians abroad from their homeland, have been incurred many expenses for national interests of Iran in the domestic and global arena. Also, in the following, this subject will be examined that creating a balance between the negative and positive views of officials on the one hand and creating trust-building attractions between the two dual nationality on the other hand, can provide a suitable basis for coherent and efficient policy-making and the development of an optimal model for solving the problem of Iranian dual nationals.

Keywords: Nationality. Dual Nationality .Emigration. Iranians abroad. Responsibility of governments

طیف سنجی رویکردهای موجود نسبت به ایرانیان دوتابعیتی و مسئولیت دولت در قبال آنها

چکیده

دوتابعیتی‌ها از مباحثی است که سالهاست به مسئله‌ای بعضا چالش برانگیز در جمهوری اسلامی ایران مبدل شده است. در این پژوهش با روش کیفی و با تکیه بر اصل مسئولیت دولت‌ها تلاش داریم تا به ارزیابی آسیب شناسانه رویکردهای موجود در قبال ایرانیان دوتابعیتی اقدام نماییم. پرسش اصلی آن است که «رویکردهای موجود نسبت به ایرانیان دوتابعیتی کدامند و مسئولیت دولت‌ها در قبال آنها چیست؟» فرضیه اصلی نیز «غالب شدن دیدگاه صرفا تهدید محور و یا صرفا فرصت محور طی چند دهه اخیر در میان دولت‌ها به جای تدوین سیاست‌های میانه‌رو در کنار پیچیده‌تر ساختن مسئله ایرانیان دو تابعیتی و حتی فاصله گرفتن بیشتر ایرانیان خارج از کشور از وطن، هزینه‌های بسیاری را برای منافع ملی ایران رقم زده است» می‌باشد. در ادامه این امر مورد بررسی قرار می‌گیرد که با توجه به مسئولیت دولت‌ها در اموری همچون پیگیری و حفظ حقوق اتباعشان در داخل و خارج از کشور، فراهم سازی زمینه‌های لازم جهت فعالیت اجتماعی و اقتصادی تمامی اتباع ایرانی و.... ایجاد تعادل میان دیدگاه

منفی و مثبت مسئولان از یک سو و ایجاد جاذبه‌های اعتمادساز در میان دو تابعیتی‌ها از سوی دیگر می‌تواند زمینه‌ساز الگوی بهینه حل و فصل معضل ایرانیان دو تابعیتی گردد.

کلید واژه‌ها

تابعیت، دو تابعیتی، مهاجرت، ایرانیان خارج از کشور، مسئولیت دولت‌ها

مقدمه

تابعیت که حصول آن یا از طریق اصل خاک یا خون و در برخی کشورها هر دوی این روش‌ها می‌باشد، اصلی جدایی ناپذیر با زندگی هر فرد و اجتماعی است که حقوقی متقابل را میان دولت‌ها و اتباع کشورشان ایجاد می‌کند. بند ۱ از ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌کند: «هر کس حق دارد دارای تابعیت باشد» در مقدمه کنوانسیون لاهه مصوب ۱۹۳۰م. نیز آمده است: «به نفع عموم جامعه بین‌المللی است که هر فردی دارای تابعیت باشد.» در کنار مفهوم تابعیت از نکات قابل توجه واژه‌ای به نام تابعیت مضاعف است. تابعیت مضاعف به معنای جمع شدن دو یا چند تابعیت در یک شخص می‌باشد. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۴) البته گاه این فرآیند محصول انتخاب نیست و نه تنها ممکن است تابعیت مضاعف فردی ناشی از تولد باشد بلکه ممکن است تابعیت را از طریق ترکیبی از دو تابعیت خاک یا تابعیت خون بدست آورده باشد. (عزیزی، ۱۳۹۸: ۷۲) در همین حال مهاجرت مفهومی است که به عنوان عامل مهم تاثیرگذار در تابعیت و تابعیت مضاعف، دارای اهمیت است. بنابر تعریف سازمان ملل متحد مهاجر بین‌المللی یعنی افرادی که نه در داخل کشور خود بلکه از کشوری به کشور دیگر تغییر مکان می‌دهند. (UN:1998). در این میان همخوانی هویتی- فرهنگی در قالب مشترکات دینی، مذهبی و قومی، زبانی با جامعه مقصد ظرفیت‌های بی‌بدیلی را برای تسهیل امر مهاجرت فراهم می‌سازد. (مقصودی، ۱۴۰۱: ۱۲۱)

پدیده دو تابعیتی‌ها که گاه تمامی ایرانیان مهاجر به خارج از کشور با این عنوان خطاب می‌شوند، از مباحث قابل توجه در جمهوری اسلامی ایران شده است. این مسئله که داشتن تابعیت کشور دوم می‌تواند زمینه ساز کاهش علاقه برخی افراد به وطن خویش و حتی همراهی آنها با سیاست‌های کشوری که تابعیت آن را گرفته‌اند در قبال کشور اولشان گردد، امری غیر قابل انکار است اما تعمیم دادن این مسئله به جمیع افرادی که دو تابعیتی خوانده می‌شوند به دور از منطقی می‌باشد. چرا که بسیاری از افراد ناخواسته و به دلیل شرایطی که برای خود و یا خانواده آنها ایجاد شده است اجباراً به چنین تابعیتی تن داده‌اند.

آماری میان ۵^۱ تا ۸^۲ میلیون نفر در باب ایرانیان حاضر در خارج از کشور مطرح می‌شود که بخشی از آنها دارای تابعیت مضاعف شده‌اند. شرایط افرادی که بعضاً در ابتدای انقلاب اسلامی، در دوران جنگ و خدمت سربازی و یا به دلیل تحصیل و آینده فرزندان‌شان به خارج از کشور رفته‌اند و تابعیت کشور دیگری را گرفته‌اند، قطعاً با افرادی که به دلایل سیاسی به خارج از کشور رفته و تابعیت دیگری نیز گرفته‌اند متفاوت می‌باشد و نمی‌توان تمام این افراد را در قالب دو تابعیتی بودن، از حضور در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در

^۱ اداره امور ارتباطات و اطلاعات ایرانیان خارج از کشور وزارت امور خارجه ج.ا.ا. اسفند ۱۴۰۱

^۲ رجوع به سخنان حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۹۷/۶/۳

ایران منع کرد. به ویژه اینکه بسیاری از این افراد دارای سرمایه‌های قابل توجهی بوده که بعضاً علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در ایران هستند اما به دلیل شرایط و قوانین دست و پا گیر و نوع نگاه منفی که به دوتابعیتی‌ها در ایران می‌شود از چنین رویکردی امتناع می‌کنند. در همین حال بسیاری از ایرانیان خارج از کشور که سالها تابعیت آن کشورها را دارند، توانسته‌اند به موقعیت اجتماعی و حتی سیاسی قابل توجهی دست یابند که می‌تواند به عنوان بازوی کمکی دیپلماسی عمومی به کمک دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیایند.

در همین حال هر کدام از این افراد دارای خانواده و بستگانی در ایران هستند که در فضای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نقش دارند و تدوین یک سیاستگذاری مناسب در قبال ایرانیان مقیم خارج از کشور از جمله دوتابعیتی‌ها می‌تواند نقشی مهم در همبستگی ملی کشور داشته باشند. البته افرادی که هیچ کدام از این مولفه‌ها را نداشته و در ایران زندگی می‌کنند و در مواردی نیز دارای پست‌های مدیریتی و اجرایی می‌باشند و همزمان تابعیت کشوری دیگر را نیز گرفته‌اند را باید در سیاستگذاری در قبال دوتابعیتی‌ها مورد توجه قرار داد.

در باب دوتابعیتی‌ها حقایق انکار ناپذیر وجود دارد که قدر مسلم توجه به آن در سیاستگذاری پیرامون این دسته از ایرانیان، امری ضروری می‌نماید. تجربیات در ایران و سایر کشورها بیانگر آن است که نظام سلطه بویژه کشورهای غربی همواره از پروژه نفوذ بویژه در سطح مدیران تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، برای ضربه زدن به کشورهای هدف از جمله جمهوری اسلامی ایران بهره‌گیرند چنانکه رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بارها در باب نفوذ و خسارت‌ها و پیامدهای آن هشدار داده و بر لزوم هوشیاری و آگاهی در برابر آن تاکید کرده‌اند. هر چند که این نفوذ از راه‌ها و روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد اما وسوسه دریافت تابعیت و یا حفظ تابعیت کشوری غربی که فرد پیش از این آن را کسب کرده است، از مهمترین مولفه‌ها در پروژه نفوذ می‌باشد. نمونه‌های متعددی در این زمینه می‌توان برشمرد که خسارت‌های سنگینی را به کشور تحمیل کرده و در نهایت نیز با بهره‌گیری از برخورداری از تابعیت کشوری دیگر، از مجازات گریخته‌اند. با توجه به اینکه بر اساس قوانین حقوقی ایران، دارندگان تابعیت مضاعف نمی‌توانند به شغل‌ها و سمت‌های حساس منصوب گردند اما به دلیل نواقص قانونی این افراد در قالب مشاور و کارشناس از سوی مدیران ارشد به کار گرفته شده که نتیجه این نفوذ خسارت‌هایی بوده که در نمود آن را در برجام می‌توان مشاهده کرد.

البته ناگفته نماند که این دیدگاه در میان برخی افراد نیز مطرح می‌شود که در کنار رویکرد واقع‌گرایانه در باب نفوذ و خسارت‌های آن باید به این مسئله نیز توجه داشت که شرایط افرادی که بعضاً در ابتدای انقلاب اسلامی، در دوران جنگ و یا به دلیل تحصیل و فرزندانشان به خارج از کشور رفته‌اند و تابعیت کشوری دیگر را پذیرفته‌اند، قطعاً با افرادی که به دلایل سیاسی به خارج از کشور رفته و تابعیت دیگری نیز گرفته‌اند متفاوت می‌باشد و نمی‌توان تمام این افراد را در قالب دوتابعیتی بودن، از حضور در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران منع کرد مگر آنکه ارزیابی سوابق و پرونده آنها دارای ابهام و نکات منفی باشد.

پیروان این دیدگاه تاکید دارند که بعضاً در میان ایرانیان دوتابعیتی کسانی هستند که دارای سرمایه‌های قابل توجهی بوده که علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در ایران هستند اما به دلیل شرایط و قوانین دست و پا گیر و نوع

نگاه منفی که به دوتابعیتی‌ها در ایران می‌شود از چنین رویکردی امتناع می‌کنند. در همین حال بسیاری از ایرانیان خارج از کشور که سالها تابعیت آن کشورها را دارند، توانسته‌اند به موقعیت اجتماعی و حتی سیاسی قابل توجهی دست یابند که می‌توانند به عنوان بازوی کمکی دیپلماسی عمومی به کمک دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیایند و لذا نفی کامل ایرانیان دوتابعیتی می‌تواند زمینه‌ساز از دست دادن برخی منافع کشور نیز گردد.

در کنار مباحث ذکر شده پیرامون ایرانیان دوتابعیتی ساکن خارج از کشور، این نکته مهم حائز اهمیت است که افرادی نیز وجود دارند که در ایران زندگی می‌کنند و در مواردی نیز دارای پست‌های مدیریتی و اجرایی می‌باشند و همزمان تابعیت کشوری دیگر را نیز گرفته‌اند را باید در سیاستگذاری در قبال دوتابعیتی‌ها مورد توجه قرار داد بویژه اینکه تجربه نشان داده است که خسارت‌های احتمالی این افراد برای منافع و امنیت ملی کشور بسیار بیشتر از ایرانیان دوتابعیتی ساکن خارج از کشور می‌باشد.

این پژوهش با این سوال آغاز می‌شود که «رویکردهای موجود نسبت به ایرانیان دوتابعیتی کدامند و مسئولیت دولت‌ها در قبال آنها چیست؟» و پیرو آن نیز در پاسخ به این پرسش این ایده مطرح می‌شود که «غالب شدن دیدگاه صرفاً تهدید محور و یا صرفاً فرصت محور طی چند دهه اخیر در میان دولت‌ها به جای تدوین سیاست‌های میانه‌رو بر اساس اصل بهره‌گیری از فرصت‌ها و به حداقل رساندن تهدیدات، در کنار پیچیده‌تر ساختن مسئله ایرانیان دوتابعیتی و حتی فاصله گرفتن بیشتر ایرانیان خارج از کشور از وطن، هزینه‌های بسیاری را برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه داخلی و جهانی رقم زده است» بر این اساس لازم است تا در ابتدا به طیف سنجی ایرانیان دوتابعیتی که بیشتر در قالب ایرانیان خارج از کشور قابل ارزیابی است، پرداخته و در ادامه دیدگاه‌های مطرح در باب این افراد که بر سیاست دولت‌ها در چهار دهه اخیر تأثیر گذار بوده ارزیابی نموده تا در نهایت به الگوی بهینه‌ای جهت سیاستگذاری دولت‌ها در قبال ایرانیان دوتابعیتی دست یافت.

ادبیات پژوهش

مروری بر آثار موجود در باب دوتابعیتی‌ها که بیشتر در چارچوب تابعیت مضاعف مطرح شده‌اند، غالباً در حوزه حقوقی و سپس سیاسی قابل دسته‌بندی می‌باشند که به اختصار به برخی از آنها در ذیل پرداخته می‌شود:

الف) آثاری با نگاه حقوقی

بیژن حاجی‌عزیزی و ستار عزیزی (۱۳۹۰) در کتاب "تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل" با دیدی نقادانه به بحث دربارهٔ مسائل مربوط به تابعیت در نظام حقوق بین‌الملل و مقررات داخلی ایران می‌پردازند. همچنین امید رستمی‌نژاد (۱۳۹۵) در کتاب "تابعیت مضاعف در حقوق بین‌الملل خصوصی" از منظر حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌هایی مانند کنوانسیون تابعیت که در سال ۱۹۹۷ توسط کشورهای اروپایی مصوب شده به موضوع تابعیت مضاعف پرداخته است. از سوی دیگر کتاب «حقوق و تکالیف شهروندان با تابعیت مضاعف» نوشته علی امیری، علیرضا جهانگیری و سمیه کریمی (۱۳۹۴)، بر آن است تا با رویکردی تحلیلی- تطبیقی، پدیده تابعیت مضاعف را در رویه قضایی آلمان، آمریکا و ترکیه مورد بررسی قرار داده و در نهایت الگویی برای دارندگان تابعیت مضاعف در ایران ارائه نماید. در همین حال بهشید ارفع‌نیا (۱۳۸۵) در کتاب "حقوق بین‌الملل

خصوصی: تابعیت، اقامتگاه، وضع بیگانگان" به بررسی تابعیت از منظر حقوق بین الملل خصوصی و کاستی‌های موجود در حقوق داخلی ایران در قبال تابعیت، اقامت و وضعیت بیگانگان در ایران پرداخته است.

از سوی دیگر محمدصادق فرحدوست (۱۳۹۸) در کتاب "تابعیت و تابعیت مضاعف از منظر حقوق بین الملل و رویه قضایی ایران" به بررسی قوانین ایران به ویژه در حوزه قضایی در باب این مقوله‌ها پرداخته و نقاط اشتراک و افتراق میان قوانین بین المللی و رویه قضایی ایران را مورد ارزیابی قرار دهد. از سوی دیگر اولیویر ونک^۱ (۲۰۱۲) در کتاب "تابعیت دوگانه در اتحادیه اروپا" دوتابعیتی‌ها را در حقوق بین الملل عمومی و خصوصی و همچنین در حقوق اتحادیه اروپا بیان می‌کند. دیوید ای. مارتین، کی هیلبرونر^۲ (۲۰۰۳)، نیز در کتاب "حقوق و وظایف افراد دوتابعیتی" به طور جامع وضعیت حقوقی اتباع دوتابعیتی را با تاکید بر رویه و قانون در ایالات متحده آمریکا، آلمان، ترکیه و سایر کشورهای منتخب ارزیابی می‌کنند.

ب) آثاری با نگاه سیاسی

حسین آل کجباف (۱۳۸۳)، در کتاب "تابعیت در ایران و سایر کشورها"، تابعیت را به طور عام در ایران و شمار کثیری از کشورهای پنج قاره جهان به اختصار مورد بررسی قرار دهد. از سوی دیگر آریا عزیزی (۱۳۹۵) در کتاب "تابعیت مضاعف"، عنوان می‌کند که حقوق و تکالیف شهروندان دارای تابعیت مضاعف دچار تحول به نفع افراد دارای تابعیت دوگانه شده و در این بین مدیریت صحیح پدیده چند تابعیتی می‌تواند باعث ارتقای همکاری‌های بین المللی گردد.

حمید یزدانیان (۱۳۹۸)، در کتاب "راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در اداره امور ایرانیان خارج از کشور" نگاهی آسیب شناسانه به رفتارها و رویکردهای صورت گرفته در قبال ایرانیان دوتابعیتی دارد و به ارزیابی پیامدهای هر کدام از این دیدگاه‌ها می‌پردازد. همچنین پیتر جی اسپرو^۳ (۲۰۱۶) در کتاب "در خانه در دو کشور، گذشته و آینده شهروندی دوگانه" دیدگاه‌ها را از دورانی که دوتابعیتی بودن را امری ناپسند می‌دانستند تا به امروز که امری عادی ارزیابی می‌شود، بیان می‌کند.

یوسی هارپاز^۴ (۲۰۱۹) نیز در کتاب "تابعیت دوگانه به عنوان یک دارایی جهانی" هدف افراد از دوتابعیتی شدن را آزادی سفر، فرصت‌های گسترده‌تر و... می‌داند. از سوی دیگر آلفرد مایکل بول^۵ (۲۰۰۷) در کتاب "چند تابعیتی و حقوق بین الملل" به مروری جامع از رویه دولت‌ها در بیش از ۷۵ کشور از جمله ایران در قبال تابعیت مضاعف با دیدگاهی سیاسی پرداخته است. علاوه بر این بن هرزوک^۶ (۲۰۱۵) در کتاب "تابعیت دوگانه و لغو شهروندی" استدلال می‌کند عمدتاً برای حذف تابعیت مضاعف به عنوان عاملی که وفاداری کامل به دولت-ملت فرد را تضعیف می‌کند، اقدام به سلب تابعیت می‌کنند.

مطالعات نظری: مسئولیت دولت‌ها

¹ By Olivier Vonk

² David A. Martin, Kay Hailbronner

³ Peter J Spiro

⁴ Yossi Harpaz

⁵ Alfred Michael Boll

⁶ Ben Herzog

نقش آفرینی دولت‌ها به عنوان اصلی‌ترین تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان در عرصه داخلی و خارجی در یک واژه قابل تعریف است و آن مسئولیت دولت‌هاست. مسئولیتی که دولت‌ها در قبال منافع ملی و تک تک شهروندان و اتباع خویش در داخل و خارج بر عهده دارند.

مسئله ایرانیان دو تابعیتی در حالی همچنان یکی از مباحث چالش برانگیز در کشور می‌باشد که در چارچوب مقوله‌ای به نام مسئولیت دولت‌ها، توجه و سیاستگذاری کاربردی و عملیاتی در قبال این مسئله امری ضروری می‌نماید. نخستین اصلی را که در باب مسئولیت دولت‌ها از جمله در باب دو تابعیتی‌ها می‌توان در نظر داشت مسئله توجه به اجرای قوانین است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دو اصل ۴۱ و ۴۲ به موضوع حق تابعیت، سلب تابعیت و اعطای تابعیت به اتباع خارجی پرداخته است که در تفسیر اصول مذکور، موضوع تابعیت مضاعف مطرح می‌گردد. (مرندی، مظفری سبینی، ۱۳۹۹: ۲۱۳) در همین حال قوانین ایران در موضوع تابعیت، سیستم خون را برگزیده است، یعنی آنکه تمام افرادی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارج متولد شده باشند، تابعیت ایران را دارا هستند. همچنین در مواردی نیز با استفاده از سیستم خاک یعنی تابعیت خارجی‌هایی که در ایران متولد شده‌اند، تابعیت ایران به وجود می‌آید. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۱۸) از سوی دیگر بر اساس ماده (۹۸۹) قانون مدنی، تابعیت خارجی هر تبعه ایرانی کان‌لم‌یکن بوده و آن فرد تبعه ایران شناخته می‌شود. با استناد به این قوانین می‌توان نتیجه گرفت که نفی ایرانیان دو تابعیتی در حالی که قانون اساسی عملاً پذیرنده تابعیتی به جز تابعیت ایرانی فرد نمی‌باشد نمی‌تواند در چارچوب وظایف قانونی دولت‌ها تعریف گردد.

مولفه دیگری که در باب مسئولیت دولت‌ها در قبال اتباع ایرانی از جمله دو تابعیتی‌ها می‌توان در نظر داشت، اصل مقصر و غیر مقصر بودن و به تبع آن مقوله‌ای به نام مسئولیت اخلاقی دولت‌ها در جبران خسارت‌ها و نیز مانع‌زدایی و زمینه‌سازی مطلوب برای تمامی شهروندان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی می‌باشد.

در نظام‌های حقوقی گوناگون دنیا، معمولاً مسئولیت مدنی دولت‌ها را بر مبنای نظریه تقصیر بنا می‌کنند؛ به این معنا که تازمانی که دولت، مرتکب نقض قانون نشود، محکوم کردن آن به پرداخت غرامت امکان‌پذیر نیست، اما سیر تحول نظریه‌های حقوقی به این سو پیش رفته است که مسئولیت دولت را حتی بدون ارتکاب تقصیر نیز شناسایی می‌کنند. (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۳). نگاهی بر سیر تاریخی مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور به ویژه نسل اولی‌ها که در یک دهه اول پس از انقلاب اسلامی از ایران مهاجرت و احتمال تابعیت مضاعف آنها نزدیک به یقین می‌باشد، بیانگر این حقیقت است که بسیاری از آنها به دلیل نگرانی از آینده نامعلوم پس از انقلاب و هراس از محاکمه شدن به دلیل ارتباط با رژیم گذشته و یا به خاطر جنگ و بعضاً خدمت نظام وظیفه به این روند تن داده‌اند. چنانکه ذکر شد بر اساس اصل عدم تقصیر هر چند که دولت‌ها در شکل‌گیری این شرایط چندان دخیل نبوده‌اند اما بر اساس اصل مسئولیت اخلاقی و مدنی دولت‌ها، حداقل توجه به حقوق اولیه آنها به عنوان یک تبعه ایرانی امری قابل توجه است به ویژه اینکه بر اساس قانون، ایران هرگز تابعیت مضاعف اتباع ایرانی را نپذیرفته است.

نکته دیگر آنکه نگاهی بر نظریه‌های مهاجرت که تابعیت مضاعف نیز در آن جای می‌گیرد، بیانگر مولفه‌ها و عواملی است که افراد را به ترک وطن و یا پذیرش تابعیت کشوری دیگر سوق می‌دهد. مدل روانشتاین^۱ در چارچوب اصل دافعه و جاذبه تاکید دارد که مهاجرین از مناطق فقیر به مناطقی که فرصتهای بیشتری به آنها دهد، نقل مکان می‌کنند. (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۳۸) لآوری و راجز نیز با همین دیدگاه، شرایط اقتصادی و اجتماعی مبدا و مقصد را مورد توجه داشته‌اند. (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۲۴) از سوی دیگر اورت اس لی^۲ با تکیه بر نظریه جذب و دفع عنوان می‌کند که برای هر فرد مهاجر، هر یک از نواحی مبدأ و مقصد دارای عوامل مثبت و منفی هستند که در نهایت فرد را به سمت مهاجرت سوق می‌دهد. (حاج یوسفی، بهمد، ۱۳۸۵ ص ۳۸)

در همین حال در نظریه محرومیت نسبی^۳ افرادی همچون استارک و ونگ معتقدند که مهاجرت یک رفتار تصادفی نیست بلکه شاخصی برای رفع محرومیت‌ها محسوب می‌شود. (حاج حسینی، ۱۳۸۵: ۴۶) "تد رابرت گر"^۴ در این زمینه معتقد است که: «محرومیت نسبی نتیجه تفاوت درک شده میان خواسته‌ها و داشته‌های افراد است.» (قربانی، شیری، ۱۴۰۰: ۵) در این میان بسیاری از افراد نیز به دلیل نبود فضای رقابتی در کشور و تصور دست نیافتن به جایگاه مطلوب در مسیر تحصیلات و تخصص خود در نهایت دل به ترک وطن و دوتابعیتی شدن می‌دهند.^۵

نکته دیگر آنکه یکی از مولفه‌های قابل توجه در مسئولیت دولت‌ها ظرفیت‌سازی از فرصت‌ها و کاهش تهدیدات است که نه تنها بر اساس ظرفیت‌های داخلی بلکه شامل ظرفیت‌ها و شاخصه‌های بیرونی نیز می‌گردد. یکی دیگر از ابعاد مسئولیت دولت‌ها در عرصه جهانی، نمایش چهره‌ای مثبت و موثر از کشور متبوع خویش می‌باشد که در کنار مناسبات دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی، می‌تواند از ظرفیت‌های قدرت نرم در تحقق این امر بهره‌گیرد. میزان و جایگاه اتباع یک کشور در سایر کشورها می‌تواند مولفه‌ای مهم در شکل‌گیری قدرت نرم کشورها باشد که بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در جمع مسئولیت دولت‌ها قابل تعریف است.

¹ Ravemstian

² Everett.S.Lee

³ relative deprivation

⁴ Ted. Robert. Gr

^۵ جایگاه ایران در شاخص رقابت پذیری برای استعدادها در سال ۲۰۲۲ و در مقایسه با سال گذشته با سقوط دوازده پله‌ای همراه شده و به رتبه

۱۱۲ تغییر یافته است. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۱: ۳۳)



در مجموع آنچه ذکر شد می‌توان گفت که آنچه در حوزه دوتابعیتی‌ها و مباحث پیرامون آن مطرح است در چارچوب اصل مسئولیت دولتها قابل ارزیابی می‌باشد. این مسئولیت تا زمانی که فرد تابعیت کشور خود را ترک نکرده باشد ولو آنکه تابعیت کشور دیگری را پذیرفته باشد، همچنان پا بر جاست. بر این اساس برای رسیدن به درکی درست در باب ایرانیان دوتابعیتی و چگونگی رفتار در قبال آنها، توجه به اصل مسئولیت اخلاقی، مدنی و بین‌المللی دولتها امری ضروری و الزام آور می‌نماید. ۱-مروری بر وضعیت ایرانیان دوتابعیتی

مهاجرت به معنای نقل مکان و جابه‌جایی از سرزمین خود به سرزمینی دیگر است که گاه در سطح ملی یعنی در درون قلمرو یک کشور صورت می‌گیرد و گاه به صورت فراملی یعنی مهاجرت از یک کشور به کشوری دیگر را شامل می‌شود. تفاوت در میان این دو مدل مهاجرت در کنار بعد مسافت وجود پدیده‌ای به نام تابعیت و حقوق و تکالیف ناشی از آن در حوزه مهاجرت فراملی می‌باشد. این امر زمانی بیشتر اهمیت می‌یابد که این نوع مهاجرت به مساله‌ای به نام تابعیت مضاعف و حتی چند تابعیتی مرتبط می‌گردد. ایران نیز به عنوان بخشی از نظام بین‌الملل از این روند مستثنی نبوده و نخواهد بود. بر اساس آمار سازمان ملل جمعیت ایرانیان خارج از کشور ۱۲۰۶۲۶۵۸ نفر عنوان شده است حال آنکه وزارت امور خارجه این رقم را بیش از ۵ میلیون نفر (۵۲۹۳۴۵۱ نفر)^۲ عنوان می‌کند و برخی دیگر از منابع غیر رسمی این رقم را تا ۸ میلیون^۳ نیز اعلام داشته‌اند.

در این میان در باب ایرانیان دوتابعیتی چندان آمار دقیقی منتشر نشده است چرا که از یک سو بسیاری از افرادی که دوتابعیتی شده‌اند به دلیل مسائل اقتصادی و امنیتی، تاکید بر ارتباط با خانواده در ایران، ترس از نگاه منفی مردم و مسئولین تابعیت دوم خود را پنهان می‌سازند و از سوی دیگر بر اساس قانون اساسی و قوانین مدنی، صرفاً تابعیت ایرانی افراد مورد پذیرش بوده و تابعیت دیگر فرد مورد تایید نمی‌باشد. با توجه به این شرایط در عمل نه

^۱ - سالنامه مهاجرتی ایران ۱۴۰۱، ص ۲۱

^۲ - اداره امور ارتباطات و اطلاعات ایرانیان خارج از کشور وزارت امور خارجه ج.ا.ا. اسفند ۱۴۰۱

^۳ رجوع به سخنان حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۹۷/۶/۳

از سوی نهادهای داخلی و نه منابع خارجی آماری از ایرانیان دوتابعیتی مشاهده نمی‌شود چنانکه درباره بسیاری از کشورها نیز وضعیت مشابه حاکم است و آماری در باب دوتابعیتی‌های آنها موجود نمی‌باشد. مروری بر پیشینه مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز که می‌تواند مبنایی بر فرضیات مطرح در باب میزان و چرایی دوتابعیتی شدن ایرانیان باشد در چارچوب چند دوره و چند نسل از ایرانیان خارج از کشور قابل ارزیابی می‌باشد.

نسل اول ایرانیان مهاجر به خارج از کشور را می‌توان

مسئله ایرانیان دوتابعیتی که اکثراً افرادی هستند که به هر دلیلی جلای وطن کرده‌اند، در دوران پهلوی نیز مطرح بوده است - بویژه اینکه به دلیل ضعف امکانات تحصیلی، دانشجویان بسیاری به خارج از کشور رفته و دیگر به ایران باز نگشته‌اند - و صرفاً معطوف به جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد اما با توجه به اینکه این مقاله به پردازش مسئله ایرانیان دوتابعیتی در دوران جمهوری اسلامی می‌پردازد لذا بازه زمانی مورد توجه نیز این دوران می‌باشد چنانکه پرداختن به وضعیت ایرانیان دوتابعیتی در دوران پهلوی، نیازمند پژوهش و مقاله‌ای دیگر می‌باشد. نگاهی بر وضعیت ایرانیان دوتابعیتی که بیشتر در چارچوب ایرانیان خارج از کشور تبلور یافته است از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز، بیانگر چند دوره زمانی می‌باشد. نسل نخست ایرانیان دوتابعیتی را می‌توان

در بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ یعنی در دوران ابتدایی پیروزی انقلاب و دوران جنگ تحمیلی ۸ ساله ارزیابی کرد. افرادی که به دلیل مشخص نبودن وضعیت کشور و ترس از امنیت و سرنوشت خود و سرمایه‌شان راه مهاجرت در پیش گرفتند. در همین حال عده‌ای نیز به دلیل خدمت سربازی و یا ترس از جنگ، تن به مهاجرت دادند. همچنین بسته شدن دانشگاهها موجب مهاجرت نخبگان شد. یک گروه، متخصصان جوانی بودند که در اوایل انقلاب به ایران بازگشته بودند، اما به دلیل اینکه هنوز به استخدام رسمی در نیامده بودند، با بسته شدن دانشگاهها به کشور محل تحصیلشان بازگشتند. گروه دوم کسانی بودند که مشمول پاکسازیهای دوران انقلاب از دانشگاهها و مؤسسات و ادارات دولتی شدند. (حاج یوسفی، بهمد، ۱۳۸۵: ۳۰) این نسل از ایرانیان خارج از کشور بیش و یا نزدیک به ۴ دهه در خارج از ایران به سر می‌برند، با توجه به سابقه حضورشان در کشور مقصد به احتمال زیاد با حفظ تابعیت ایران، تابعیت آن کشور را گرفته‌اند.

نسل دوم و سوم ایرانیان خارج از کشور یا همان ایرانیان دوتابعیتی را می‌توان به دو دسته افراد تقسیم بندی کرد. طیف نخست فرزندان نسل اول هستند که در زمان مهاجرت از ایران کودک بوده و اکنون برای خود تشکیل خانواده داده و فرزندان آنها نسل سوم را تشکیل می‌دهند و یا اینکه در کشوری به جز ایران متولد شده‌اند. این دسته افراد نیز با توجه به همان اصل سابقه اقامت در کشور مقصد و یا اصالت خاک، تابعیت کشوری جز ایران را گرفته‌اند. هر چند که جوامع متکثر و کشورهای مهاجر پذیر به ویژه در اتحادیه اروپا و شمال آمریکا در سیاستگذاریهای اجتماعی و مهاجرتی به این امر توجه دارند که چگونه می‌توانند در میان جوامع مهاجر و اقلیت، فرهنگ پذیری بیشتری ایجاد کنند و با جامعه همراه سازند. (مقصودی، ۱۴۰۱: ۱۲۱) اما بسیاری از این افراد در جمع کسانی هستند که اجباراً به دلیل محل تولد و یا زندگی‌شان تابعیت مضاعف دارند اما هیچگونه نگاه منفی نسبت به ایران نیز ندارند.

طیف دیگر در نسل دوم ایرانیان خارج از کشور که دارای تابعیت مضاعف شده‌اند را افرادی تشکیل می‌دهند که از دهه ۱۳۷۰ تا یک دهه اخیر ایران را ترک کرده‌اند. مسائل اقتصادی و کسب شغل و جایگاه اجتماعی و

برخوردار شدن از فضای بازتر مدنی و سیاسی، فرار از احساس تبعیض و نداشتن فرصت برابر در ایران به رغم تحصیل کرده بودن از مولفه‌های اصلی این افراد برای خروج از ایران است.

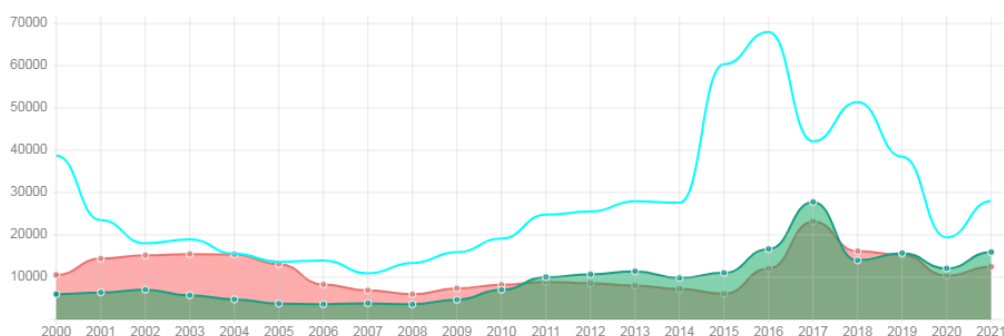
جایگاه کشور ایران در شاخص رقابت پذیری برای استعدادها در سال ۲۰۲۲ میلادی و در مقایسه با سال ۲۰۲۱ با سقوط دوازده پله‌ای از رتبه ۱۰۰ به رتبه ۱۱۲ تغییر یافته است. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۱: ۳۳) نکته مهم در این زمینه آن است که سهم بکارگیری نیروهای تحصیلکرده در بخشهای مختلف اقتصادی همچنان بسیار پایین است. در چنین شرایطی سرریز سرمایه‌های انسانی به خارج از کشور اجتناب ناپذیر است. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۰: ۵۶) روندی که فرصتی بزرگ برای کشورهای میزبان بویژه کشورهای اروپایی است که با چالشی به نام پیری و کمبود جمعیت مواجه هستند.

نسل سوم ایرانیان مهاجر به خارج از کشور که در دو دهه اخیر بخشی از آنها در چارچوب فرار مغزها شناخته می‌شوند و به جمع ایرانیان با تابعیت مضاعف پیوسته‌اند، نگاهی بیشتر اقتصاد محور دارند و خود را زخم خوردگان تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و نداشتن فرصت شغلی و سیاسی و اجتماعی می‌دانند. نکته قابل توجه آن است که در این طیف، میل به مهاجرت در میان گروه‌های حرفه‌ای و فعالین استارت‌آپ‌ها بنا بر اطلاعات پیمایش‌های رصدخانه مهاجرت (۱۴۰۱) در سالهای اخیر افزایش یافته و تحولات اقتصادی سالهای اخیر از جمله مهمترین عوامل تشدید کننده تمایل به مهاجرت بوده است که با توجه به اهمیتی که کشورهای میزبان این افراد بویژه اروپا و آمریکا برای این تخصص قائل هستند، با پیشنهاد تابعیت مواجه می‌شوند. ایرانیان در سه سال (۲۰۱۹ تا نیمه اول ۲۰۲۲) از دو کشور کانادا و بریتانیا بیش از دو هزار ویزای استارت آپ، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری یا خود اشتغالی دریافت کرده‌اند. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۱: ۴۴-۴۵)

نکته قابل توجه در باب نسل سوم ایرانیان خارج از کشور که در زمان کوتاه‌تری نیز به دوتابعیتی شدن منجر می‌شود، مسئله رویکرد به مهاجرت در قالب پناهندگی است.

Development of asylum applications from citizens from Iran 2000 to 2021

The top line represents the total number of asylum applications (first applications + reviews). Below are the number of recognized refugees (green) and rejected applications (red).



نمودار تغییر و تحولات درخواست های پناهنجویی از شهروندان ایرانی از ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱

¹ <https://www.worlddata.info/asia/iran/asylum.php>

در سال ۲۰۲۱ میلادی ۱۴۲ هزار و ۹۸۹ ایرانی در کشورهای مختلف در وضعیت پناهندگی قرار داشته‌اند که این میزان نسبت به آمار شش سال گذشته حدود ۶۸ درصد افزایش داشته است. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۱: ۴۴) یکی از شاخصه‌های مهاجرت در این ساختار، گرفتن تابعیت کشور میزبان می‌باشد لذا بسیاری از افراد که در قالب پناهنده از ایران خارج شده‌اند را می‌توان در طیف افراد دو تابعیتی ارزیابی نمود.

۲- دیدگاه‌های مطرح در باب دو تابعیتی‌ها

نگاهی به آنچه در سطح مسئولان، نخبگان، اندیشمندان علوم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و جامعه در باب دو تابعیتی‌ها در کشور طی سالیان متمادی (از ابتدای انقلاب تا کنون) مطرح می‌باشد بیانگر طیف گسترده‌ای از نظرات در دو سوی فرصت محور و تهدید محور می‌باشد. رویکردهای مذکور زمینه‌ساز تکرار تصمیماتی شده که ضمن ایجاد ابعاد جدیدی از چالشها، هزینه‌هایی را نیز به امنیت و منافع ملی کشور وارد ساخته است. لذا آنچه در این برآیند می‌تواند مطرح باشد و تاکنون کمتر مورد توجه بوده، دیدگاه میانه‌ای است که در کنار ارزیابی هر دو طیف مطلق مثبت و مطلق منفی، دیدگاهی نوین بر اساس منافع ملی و حقایق جاری در صحنه بین‌الملل در باب دو تابعیتی‌ها را ارائه می‌کند.

۲-۱- دیدگاه فرصت محور

برخی بر این عقیده‌اند که دارندگان تابعیت مضاعف نه یک تهدید برای کشور بلکه فرصتی هستند که می‌توان از آنها در جهت منافع کشور بهره گرفت و مسئولیت دولت‌ها نیز آن است تا ضمن درک شرایط آنان، زمینه بهره‌گیری از ظرفیت‌های آنها را فراهم سازند. این افراد در بیان دیدگاه خود استدلال‌هایی را مطرح می‌کنند از جمله اینکه در عصری که به جهانی شدن معروف است دیگر مرزهای جغرافیای معنایی ندارد و مهاجرت و تابعیت دیگری را گرفتن، امری عجین شده با این دوران است. (Spiro، ۲۰۱۰: ۱۱۶) پیروان این دیدگاه تأکید دارند که وجود تابعیت مضاعف به معنای خیانت و وطن فروشی نیست چنانکه برخی از افراد در داخل ایران با تابعیت ایرانی به کشور خیانت می‌کنند حال آنکه ایرانیان بی‌شماری در خارج از کشور با وضعیت دو تابعیتی قلبشان برای وطن می‌تپد و حاضر به هیچ اقدامی علیه آن نمی‌باشند. در همین حال عنوان می‌شود که بسیاری از افراد به دلیل چالشهای اقتصادی و ناامیدی از آینده خود و فرزندانشان مجبور به ترک ایران و گرفتن تابعیت دیگر شده‌اند لذا تنبیه آنان به جرم دو تابعیتی بودن خارج از انصاف است چرا که از ابعاد مسئولیت دولتها، ایجاد شرایط مطلوب اقتصادی را برای همگان تشکیل می‌دهد و حداقل خسارتی که دولت‌ها در محقق نساختن مطلوب این مهم می‌توانند پردازند چشم بستن بر دو تابعیتی شدن این افراد است. نکته آنکه در شرایطی که ایران در شرایط تحریم به شدت نیازمند سرمایه‌گذاری و نیروی متخصص برای رونق تولید می‌باشد، سرمایه ایرانیان خارج از کشور و تخصص علمی آنها از جمله دو تابعیتی‌ها می‌تواند مولفه‌ای برای شکستن تحریم‌ها باشد.

رتبه ایران برای برای جذب استعدادها از خارج و ماندن استعدادهای خود در داخل کشور ۷۸ (از میان ۱۰۹ کشور) و برای جذب جوانان از خارج و ماندن جوانان خود در داخل کشور، جایگاه ۷۷ ام را در میان ۱۵۰ کشور داراست. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۰: ۴۸) با توجه به این وضعیت، استدلال مثبت اندیشان در باب دو تابعیتی‌ها بر اصل پذیرش ضعف مذکور است که بر اساس آن مهاجرت و دو تابعیتی شدن ایرانیان را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. نکته آنکه ترس از جان و نامعلوم بودن سرنوشت انقلاب از دلایل مهاجرت و دو تابعیتی شدن برخی ایرانیان است که با درک این مسئله می‌توان از ظرفیت‌های این افراد به ویژه سرمایه‌های اقتصادی آنها بهره گرفت.

این ادعا از سوی پیروان دیدگاه خوشبینانه به ایرانیان دوتابعیتی و نسبت دادن دلایل رویکرد به دوتابعیتی شدن به سیاست‌های جمهوری اسلامی در حالی مطرح می‌شود که در دوران پهلوی طیف گسترده‌تری از جلالی وطن‌نخبگان مشاهده می‌شود چنانکه به مثابه یک جانشین برای عدم قبولی در دانشگاه‌های ایران بسیاری از ایرانیان به تحصیل در خارج می‌اندیشیدند. در سال ۱۹۶۴، ۱۹۵۰۰ دانشجوی ایرانی در ۲۳ کشور خارجی تحصیل می‌کردند که در سال ۱۹۶۸ این آمار به رقمی بالاتر از ۲۵۰۰۰ رسید. در دانشگاه‌های خارج تعداد دانشجویان ایرانی بیشتر از تعداد دانشجویان دانشگاه تهران، تبریز، مشهد، اهواز، دانشگاه تربیت معلم و دانشگاه ملی بود. در آن زمان این امکان در اصل برای فرزندان طبقات بالا و اقشار بالای طبقه متوسط که می‌توانند هزینه‌های سنگین آن را تامین کنند فراهم بود و نه برای مردم عادی که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند. (زونیس، ۱۳۸۷: ۶۷)

پیروان دیدگاه خوشبینانه به دوتابعیتی‌ها همچنین بر این عقیده‌اند که بسیاری از افراد نه به خواست خود بلکه به دلیل تولد در خارج از ایران دوتابعیتی شده‌اند و لذا نباید با دیدی منفی به آن نگریست. در همین حال بسیاری از مهاجران و دوتابعیتی‌ها در ایران، خانواده و بستگانی دارند که برداشته شدن برچسب‌ها از پیشانی دوتابعیتی‌ها می‌تواند تحکیم پیوند و اعتماد این افراد به نظام را ایجاد نماید. دوتابعیتی شدن برخی افراد نیز به دلیل خدمت سربازی و در دهه ۶۰ به دلیل جنگ تحمیلی و ترس از جان بوده است که به نوعی این افراد را می‌توان جنگ‌زدگانی دانست که ترک وطن کرده‌اند چنانکه امروز میلیون‌ها نفر از کشورهای افغانستان، عراق، سوریه، فلسطین و اوکراین در این وضعیت قرار دارند.

۲-۲- دیدگاه تهدید محور

پیروان این دیدگاه در باب دوتابعیتی شدن افراد نیز نقطه نظراتی را مطرح می‌سازند. آنها تاکید دارند که دریافت تابعیت برای برخوردار شدن از امکانات بیشتر اقتصادی و رفاهی بالاتر از آنچه در کشور خود دارند، نوعی برتری‌خواهی فردی است که با مقوله ملی‌گرایی و وطن‌دوستی همخوانی ندارد. در شرایطی که کشور در حال جنگ بوده است خروج از ایران و یا مهاجرت و گرفتن تابعیت مضاعف به دلیل نرفتن به سربازی فاقد توجیه روحیه ملی‌گرایانه است. در همین حال افرادی که در ابتدای انقلاب از ایران رفته‌اند اکثراً کسانی بوده‌اند که با رژیم پهلوی همکاری داشته‌اند. این دیدگاه تاکید دارد که تابعیت مضاعف و وفاداری سیاسی به دولت، اصلی جدایی‌ناپذیر تلقی می‌شود. (Faist: ۲۰۰۸) لذا رویکرد فرد به دوتابعیتی شدن را می‌توان نوعی طلاق عاطفی از وطن و دولت تابعیت نخست دانست.

این عده عنوان می‌کنند کسانی که ناخواسته به دلیل تولد در کشوری دیگر تابعیت مضاعف گرفته‌اند بعد از رسیدن به سن قانونی می‌توانستند تابعیت غیر ایرانی را لغو نمایند. پیروان این دیدگاه نیم‌نگاهی نیز به قوانین داخلی ایران و حقوق بین‌الملل دارند چنانکه عنوان می‌کنند بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ فردی حق تابعیت مضاعف را ندارد مگر تابعیت ایران را ترک نماید لذا دوتابعیتی شدن افراد ضمن داشتن تابعیت ایران غیر قانونی است. همچنین بنابر مقدمه قرارداد ۱۹۳۰ لاهه، بهتر است که هر فردی تنها دارای یک تابعیت باشد. (فرحدوست، ۱۳۹۸: ۸۷). "ویس" تابعیت را چنین تعریف می‌کند: پیوندی است که شخص را به ملت معینی مربوط می‌سازد. (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۲۷) بر این اساس کسی که تابعیت مضاعف دارد عملاً وضعیت مشخصی برای خود در باب این پیوند ندارد و نمی‌توان روی آن حساب کرد. حقوق بین‌الملل اجازه می‌دهد تا

^۱ Weiss

عموم افراد، تابعیت یک دولت جدید را به دست آورند اما به شرط آنکه تابعیت قبلی را کنار بگذارند. (۳۸۴: ۲۰۰۶، force) و لذا پذیرش تابعیت مضاعف افراد، رفتاری مغایر با حقوق بین‌الملل می‌باشد.

در همین حال پیروان این دیدگاه عنوان می‌کنند که افراد معمولاً در شرایطی به کشور دیگر پناه برده که در کشور خود احساس ناامنی نموده و یا از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی با مشکل مواجه باشند. بر این اساس دوتابعیتی شدن ایرانیان خواسته یا ناخواسته نمایش چهره‌ای منفی از ثبات، امنیت و ناتوانی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که بخشی از پازل ایران هراسی می‌گردد. در همین حال برخورداری از حقوق و مزایای همزمان از دو دولت می‌تواند به مصالح ملی دولتهای متبوع خدشه وارد نماید چرا که بسیار دشوار است که شخص بتواند تمام تکالیف خود را نسبت به دو دولت ایفا نماید. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۴)

در نهایت آنکه استدلال‌های این دیدگاه برگرفته از این تفکر است که هر چند ایران تابعیت مضاعف را نپذیرفته و تابعیت کشور دیگر برای شهروندان خود را غیر قابل قبول می‌داند و در خدمات کنسولی نیز آن را رعایت می‌کند اما با توجه به اینکه در عرصه جهانی تابعیت موثر مد نظر قرار می‌گیرد، لذا در دعاوی حقوقی، ایران محکوم و به نوعی با تحقیر دیپلماتیک و حقوقی مواجه می‌شود. پرونده‌های افرادی همچون جیسون رضائیان و نازنین زاغری که به دلیل تابعیت آمریکایی و انگلیسی آنها، رای دادگاه‌های غربی علیه ایران بوده، نمودی از این دعاوی است که هزینه‌های بسیاری برای ایران داشته است.

جدول: نگاهی مقایسه‌ای به دیدگاه‌های تهدید محور و فرصت محور

ردیف	دیدگاه فرصت محور	دیدگاه تهدید محور
۱	در عصر جهانی‌شدن، مهاجرت و تابعیت مضاعف امری عادی است.	تابعیت و وفاداری سیاسی به دولت، اصلی جدایی‌ناپذیر است.
۲	مهاجرت و تابعیت مضاعف در صورتی که برای آموختن و خدمت به کشور باشد امری بدون اشکال است.	بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هیچ فردی حق تابعیت مضاعف را ندارد.
۳	تابعیت تنها معیار میهن دوستی نیست چنانکه برخی در داخل و با تابعیت ایرانی به کشور خیانت می‌کنند.	اکثر دوتابعیتی‌انها هستند که پس از افشای خیانتشان، تابعیت کشور دیگر را گرفته‌اند.
۴	مسئولیت دولتها ایجاد شرایط مطلوب اقتصادی برای همگان است و تا زمان تحقق این امر، نمی‌توان به دوتابعیتی شدن افراد با اهداف اقتصادی خرده گرفت.	دریافت تابعیت برای برخورداری از امکانات بیشتر اقتصادی نوعی برتری‌خواهی فردی است.
۵	سرمایه و تخصص ایرانیان خارج از کشور از جمله دوتابعیتی‌ها می‌تواند مولفه‌ای برای شکستن تحریم‌ها باشد.	افرادی که با اهداف اقتصادی دوتابعیتی شده‌اند، برای دور زدن تحریم‌ها قابل اعتماد نیستند.

۶	نگاه مثبت به دوتابعیتی‌ها، می‌تواند به تحکیم پیوند و اعتماد خانواده‌های این افراد در داخل کشور به نظام منجر گردد.	تابعیت پیوندی است که شخص را به ملت معینی مربوط می‌سازد. کسی که تابعیت مضاعف دارد وضعیت مشخصی برای خود در این پیوند ندارد.
۷	ایجاد جاذبه‌های مهاجرتی برای اتباع سایر کشورها، از مسئولیت عصر حاضر دولت‌ها برای جذب سرمایه و دیپلماسی عمومی است که با پذیرش حقوق دوتابعیتی‌ها می‌توان در تقویت آن گام برداشت.	دوتابعیتی شدن ایرانیان نمایش چهره‌ای منفی از ثبات و امنیت ایران و ناتوانی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است که بخشی از پازل ایران هراسی می‌گردد.
۸	رقابت‌پذیری برای استعدادها از وظایف دولت‌هاست و تا زمانی که این مهم اجرایی نشود، نمی‌توان از دوتابعیتی شدن ایرانیان انتقاد نمود.	بسیار دشوار است که شخص بتواند تکالیف خود را نسبت به دو دولت ایفا نماید.
۹	ترس از جان و نامعلوم بودن سرنوشت انقلاب از دلایل مهاجرت و دوتابعیتی شدن برخی ایرانیان است که باید محترم شمرده شود.	افرادی که در ابتدای انقلاب از ایران رفته‌اند اکثراً کسانی بوده‌اند که با رژیم پهلوی همکاری داشته و از مجازات خود آگاه بوده‌اند.
۱۰	برخی افراد بلکه به دلیل تولد در خارج از ایران دوتابعیتی شده‌اند و نباید با دیدی منفی به آن نگریست.	کسانی که به دلیل محل تولد تابعیت مضاعف گرفته‌اند بعد از رسیدن به سن قانونی می‌توانستند تابعیت غیرایرانی را لغو نمایند.
۱۱	دوتابعیتی شدن برخی افراد به دلیل نرفتن به خدمت سربازی است و دولت‌ها با اصلاح قانون می‌توانند این امر را متوقف سازند.	گرفتن تابعیت مضاعف به دلیل نرفتن به سربازی فاقد توجیه روحیه ملی‌گرایانه است.

۲-۳- دیدگاه میانه

نگاهی واقع بینانه به دو دیدگاه مثبت اندیش صرف و منفی نگر صرف، بیانگر پیامدها و چالش‌هایی برای افراد، جامعه و کشور است لذا رویکرد به دیدگاهی میانه امری ضروری می‌نماید. در دنیای امروز عملاً مسئله دوتابعیتی‌ها به امری متداول مبدل شده است بویژه اینکه هیچ بررسی آماری از تعداد افراد دوتابعیتی در جهان یا در دیگر کشورها وجود ندارد چنانکه در سال‌های اخیر چندین کشور قوانین تابعیت خود را اصلاح کرده‌اند و به افراد اجازه می‌دهد که تابعیت خود را حتی زمانی که تابعیت کشور دیگری را دارند حفظ کنند. (۱: ۲۰۰۵، Mazzolari)

بر اساس دیدگاه سوم عنوان می‌گردد که عدم تفکیک دارندگان تابعیت مضاعف اکتسابی و دارندگان تابعیت مضاعف تحمیلی (درخصوص ممنوعیت اشتغال به مشاغل عالی و حساس به رغم تهدیدات موجود) شاید مهمترین ایرادی است که بر قانون بکارگیری افراد دوتابعیتی می‌توان مطرح کرد. واقعیت آن است که این قانون نباید سبب محرومیت دسته دوم از داشتن حق اشتغال به خدمات دولتی بشرط احراز صلاحیت شود. (رستمی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۱) اینها افرادی هستند که نه به اراده خود بلکه به دلیل محل تولدشان اجباراً دوتابعیتی شده و حق انتخابی نداشته‌اند. (مرندی، مظفری سبینی، ۱۳۹۹: ۲۰۹)

نبود سیاستگذاری کلان و یکپارچه موجب شده تا چنانکه باید و شاید از سرمایه‌های انسانی و مالی ایرانیان خارج از کشور که در اذهان عمومی، اکثریت آنها دوتابعیتی قلمداد می‌شوند، بهره گرفته نشود. بر اساس آمار، میزان سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور رقمی میان ۲۴ تا ۲۶ هزار میلیارد دلار است. (مهر: ۱۳۹۷/۵/۱۱) این ضعف در جذب سرمایه‌های انسانی و مالی موجب شده تا کشورهای دیگر بتوانند از این سرمایه‌ها نهایت استفاده را ببرند چنانکه ایرانیان در سه سال اخیر (۲۰۱۹ تا نیمه اول ۲۰۲۲) از دو کشور کانادا و بریتانیا بیش از دو هزار ویزای استارت‌آپ، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری یا خود اشتغالی دریافت کرده‌اند. در همین حال ایرانیان، دهمین ملیت از نظر تعداد یونیکورن‌های تاسیس شده در آمریکا هستند. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۱: ۴۴-۴۵)

بر اساس دیدگاه سوم رسیدن به یک راهبرد مدون و پایدار در ایجاد و حفظ سرمایه‌های اجتماعی امری ضروری می‌نماید. بدیهی است عدم تدوین راهبردهای مناسب، سرمایه‌های انسانی که ارزشمندترین مولفه و عنصر یک واحد سیاسی محسوب می‌شوند را در معرض تهدید قرار داده و از چرخه فعالیت در راستای منافع ملی خارج می‌سازد. (یزدانیان، ۱۳۹۸: ۲۰)

در طیف سنجی دوتابعیتی‌ها از دیدگاه سوم به این مسئله نیز توجه می‌شود که شیوه جدید مهاجرت که به دوتابعیتی شدن افراد منجر می‌شود در قالب پدیده‌ای به نام پناهندگی است. در سال ۲۰۲۰ میلادی، تعداد ۱۵ هزار و ۳۳۳ درخواست پناهندگی جدید از سوی اتباع ایرانی در کشورهای مختلف جهان به ثبت رسیده است. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۰: ۴۰)

در همین حال این دیدگاه در نگاهی واقع بینانه بر جایگاه مولفه‌ای به نام قدرت گذرنامه توجه دارد. از مجموع ۱۹۹ کشور مورد بررسی در این شاخص، قدرت گذرنامه ۱۸۳ کشور جهان، بالاتر از قدرت گذرنامه ایران است. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۰: ۵۰) این امر برای افرادی که دارای مشاغلی همچون تجارت و حتی استادی دانشگاه و محقق می‌باشند دارای اهمیت بوده و فرد برای برخورداری از گذرنامه معتبر تر به دوتابعیتی شدن تن می‌دهد.

در همین حال پیروان این دیدگاه در کنار اذعان به تبلیغات گسترده و پر رنگ و لعاب غرب برای جذب نیروی ماهر و تحصیل کرده از سایر کشورها، تاکید دارند که نگاه منفی به دوتابعیتی‌ها داشتن امری غیر قابل قبول است چرا که مهاجرت و دوتابعیتی شدن ایرانیان با توجه به ظرفیت‌های انسانی کشور که به مراتب بالاتر از میزان اشتغال و امکانات کشور است عملاً زمینه ساز این وضعیت می‌شود و با نوعی سرریز انباشت سرمایه انسانی مواجه است. تا زمانی که ظرفیت جذب و به کارگیری این حجم از نیروی انسانی در داخل کشور مهیا نباشد، با هدر رفت سرمایه انسانی در داخل روبرو هستیم.

نکته قابل توجه در مهاجرت و دوتابعیتی شدن ایرانیان را برخی افراد سودجویی تشکیل می‌دهد که برای کسب منافع مادی، افراد بویژه متخصصان و تحصیل کردگان را به خروج از کشور و حتی دوتابعیتی شدن تشویق می‌کنند. علی چگینی مدیر کل کنسولی وزارت امور خارجه عنوان می‌کند: "طبق گزارش‌های واصله به حوزه کنسولی در سال‌های اخیر، متأسفانه گروه‌هایی در داخل کشور برای نفع مادی، اقدام به تسهیل خروج برخی پزشکان و متخصصان ایرانی به خارج از کشور می‌کنند". (یزدانیان، ۱۳۹۸: ۱۵۹)

۳- مسئولیت دولت‌ها و ایرانیان دوتابعیتی

با توجه به آنچه در باب دیدگاه‌های مطرح در باب مسئله دوتابعیتی‌ها ذکر شد به نظر می‌رسد که دیدگاه سوم یا همان دیدگاه میانه که حد فاصلی میان دیدگاه‌های مثبت نگر و منفی نگر به مسئله ایرانیان دوتابعیتی می‌باشد رویکردی قابل اتکا جهت سیاستگذاری کلان حاکمیتی برای حل مسئله ایرانیان دوتابعیتی می‌باشد. بر این اساس در ادامه به تشریح ابعاد مسئولیت دولت‌ها در قبال ایرانیان دوتابعیتی که از یک سو زمینه ساز جذب بیشتر آنها به همگرایی با ایران و از سوی دیگر پیشگیری از گرایش ایرانیان به دوتابعیتی شدن می‌گردد، پرداخته می‌شود:

۱- اجرای قانون در قبال اتباع ایران: در چارچوب مسئولیت دولت‌ها توجه و اجرای قانون تعریف شده است. چنانکه پیشتر ذکر شد بر اساس بندهای ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی و نیز ۹۸۹ قانون مدنی، تابعیت ایرانی هیچ فردی تا زمانیکه خودش درخواست نداده باشد ابطال نمی‌گردد و در عین حال هم در صورت دریافت تابعیت کشوری دیگر، تابعیت ایرانی وی لغو نخواهد شد و تابعیت دیگر او مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. در کنار آنچه به روز رسانی و تصویب قوانین اقامتی، تابعیت دوگانه، قوانین مربوط به ایرانیان خارج از کشور و... مطرح می‌باشد، بر اساس قوانین ذکر شده، دولت‌ها با تکیه بر تابعیت ایرانی دوتابعیتی‌ها، موظف به ارائه خدمات و فراهم‌سازی زمینه‌های فعالیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی به این افراد می‌باشند مگر آنکه در فرآیند فعالیت کاری این افراد، همچون سایر شهروندان ایرانی، تخلف و یا جرمی از سوی این افراد سر زده باشد.

۲- مسئولیت اخلاقی جبران خسارت (در وضعیت تقصیر یا عدم تقصیر): آنچه در باب مسئولیت دولت‌ها مطرح می‌باشد جبران خسارت در وضعیت تقصیر و یا عدم تقصیر می‌باشد. این امر بدان معناست که دولت‌ها اخلاقاً و قانوناً موظف هستند تا خسارت‌های وارده به اتباع خویش را به صورت مادی و معنوی پرداخت نمایند.

چنانکه در باب چرایی رویکرد افراد به دوتابعیتی شدن در دیدگاه میانه ذکر شد، رویکرد ایرانیان به مهاجرت و گاه دوتابعیتی شدن برگرفته از شرایط تحمیلی بوده است که فرد در آنها نقش چندانی نداشته و گاه جبر زمانه فرد را به انتخاب چنین مسیری وا داشته است. به عنوان مثال برخی از افرادی که در یک دهه ابتدایی انقلاب مهاجرت کرده و بالطبع بسیاری از آنها تابعیت کشور دیگری را پذیرفته‌اند، به دلیل شرایط ابتدایی انقلاب و نگرانی از آینده اقتصادی و اجتماعی خویش تن به مهاجرت داده‌اند و برخی نیز به دلیل شرایط جنگی و گاه نرفتن به خدمت سربازی به این امر تن داده‌اند. بسیاری از این افراد که امروز در جمع ایرانیان کهنسال قرار می‌گیرند، پابندی خاصی به هویت و ماهیت ایرانی خویش دارند به ویژه اینکه انگیزه جلالی وطن آنها کمتر با ماهیت اقتصادی همراه بوده است. به عبارتی دیگر بسیاری از این افراد با خروج از ایران به دلیل شرایط نامعلوم ابتدای انقلاب و سپس جنگ تحمیلی، دچار خسارت‌های معنوی و بعضاً مادی شده‌اند که مسئولیت اخلاقی دولت‌ها ولو آنکه تقصیری در این زمینه نداشته‌اند، بر جبران خسارت این افراد می‌باشد که حداقل آن پذیرش هویت ایرانی این افراد بدون در نظر گرفتن تابعیت خارجی آنها می‌باشد.

نکته قابل توجه آن است که اگر ایران قصد استفاده حداکثری از اتباع ایرانی مقیم خارج اعم از نسل دوم و سوم مهاجران و یا کسانی که خود اقامت یا تابعیت کشور دیگری را اخذ کرده‌اند، داشته باشد، باید به گونه‌ای این اطمینان خاطر را برای آنها فراهم آورد که موقعیت قانونی آنها مورد پذیرش و شناخته شده است و جرم انگاری مستقیم یا غیرمستقیم در مورد این افراد صورت نمی‌گیرد. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۰: ۲۶۶) در این

میان توجه به نقش آفرینی مردم در تدوین و تحقق این سیاست‌ها امری قابل توجه است (وحید، ۱۳۹۰: ۳۳۴) که از طریق اقل‌سازی رسانه‌ای می‌تواند صورت گیرد.

۳- مسئولیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دولت (امیدآفرینی و زدودن تفکر تبعیض): یکی از مهمترین مسائل که در باب مهاجرت ایرانیان به خارج و به تبع آن دوتابعیتی شدن آنها مطرح می‌باشد، مسئله دافعه‌های داخل و جاذبه‌های برون مرزی است که ریشه در مسائلی همچون احساس تحقیر شدن و امید نداشتن به آینده به دلیل تبعیض‌ها و نابرابری در رسیدن به اهداف و چشم اندازهای آینده است.

از مسائل مطرح در باب مهاجرت ایرانیان به خارج و به تبع آن دوتابعیتی شدن آنها دافعه‌های داخلی و جاذبه‌های برون مرزی است. این مسئله از دو زاویه قابل توجه است. نخست مجموعه عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داخل کشور است که موجب شده تا بخشی از جامعه بویژه قشر جوان با نوعی احساس نابرابری در رسیدن به اهداف و چشم اندازهای آینده مواجه و آمل و آرزوهای خود را در دیگر کشورها جستجو نمایند. دوم آنکه غرب در چارچوب هژمونی یک‌جانبه گرایانه و خودبرترپندارانه‌اش همواره با بهره‌گیری از سلطه رسانه‌ای به دنبال تحقیر سازی، فرهنگ‌زدایی، ناامیدسازی، سرخورده‌سازی سایر ملت‌ها بویژه در جوامع اسلامی داشته است در حالی که همزمان بهشتی رویایی را از غرب برای جهانیان ترسیم کرده تا از یک سو مانع از حرکت ملت‌ها در مسیر پیشرفت و استقلال شوند و از سوی دیگر نیروی متخصص و تحصیل کرده دیگر جوامع را به مهاجرت و حتی گرفتن تابعیت کشورهای غربی سوق دهند تا به پیچ و مهره‌هایی برای گردش کارخانه‌ها و صنایع غرب مبدل گردند. این فرآیند تبلیغاتی غرب را می‌توان از مولفه‌های مهم و تاثیرگذار بر ذهن و ادراک جامعه نخبگانی کشور دانست که آنها را به مهاجرت و در نهایت گرفتن تابعیت دیگر کشورها سوق می‌دهد. با توجه به این شرایط تقویت انگیزه‌های رقابت از سوی دولت‌ها با آگاهی بخشی و امیدآفرینی بر اساس داشته‌ها و ظرفیت‌های درونی امری ضروری می‌نماید.

رقابت برای استعدادهای به مجموعه روش‌هایی گفته می‌شود که یک کشور را قادر می‌سازد تا سرمایه انسانی که موجب بهره‌وری می‌شود را توسعه، جذب و تقویت نماید. نتایج این شاخص برای کشور ایران نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۰، ایران با کسب نمره ۳۲/۶۸ در رتبه ۱۰۲ (از جمع ۱۳۲ کشور جهان) قرار دارد. (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۰: ۴۵-۴۶)

به عبارتی دیگر بر اساس اصل مسئولیت دولت‌ها، در کنار آنکه دولت‌ها باید زمینه را برای بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، مشارکت سیاسی و فرهنگی و تامین امنیت تمامی شهروندان ساکن در کشور، فراهم سازند باید این ظرفیت‌سازی برای ایرانیان خارج از کشور نیز ایجاد گردد به گونه‌ای که یک ایرانی در هر نقطه‌ای از جهان با هر تابعیتی که باشد، احساس داشتن فرصت برابر در داخل کشور را داشته باشد.

البته باید در نظر داشت که همزمان با این اقدام، بهره‌گیری دولت‌ها از ظرفیت‌های رسانه‌ای، تبلیغاتی برای مقابله با جنگ ادراکی غرب در ناامیدسازی، سیاه‌نمایی و مایوس‌سازی ایرانیان از آینده، امری مهم و لازم‌الاجرا می‌نماید تا در کنار حفظ سرمایه‌های انسانی در داخل کشور، افتخار و غرور از ایرانی بودن در میان ایرانیان خارج از کشور و انگیزه‌های بازگشت آنها به وطن تقویت گردد. مولفه‌ای که می‌تواند در کاهش گرایش ایرانیان به دوتابعیتی شدن آنها تاثیرگذار باشد.

۴- بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها: نکته مهمی که در باب سیاستگذاری عمومی در قالب مسئولیت دولت‌ها در باب مسئله دوتابعیتی‌ها و ایرانیان خارج از کشور شاید تا به امروز کمتر مورد توجه قرار گرفته است، بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها در این زمینه‌ها و دستاوردها و هزینه‌های آنهاست. مروری بر فرآیند سیاستگذاری سایر کشورها در باب دوتابعیتی‌ها و مسئولیت دولتهایشان در قبال آنها، می‌تواند مولفه‌ای در مسیر نوپای سیاستگذاری عمومی در باب این موضوع در ایران باشد.

پذیرش تابعیت موثر، صدور کارت شهروندی خاص خارج‌نشینان، اختصاص نماینده برای مهاجرین خارج از کشور، اصلاح قوانین استخدامی و اداری و... از جمله اقداماتی است که در رویه برخی کشورها در قبال اتباع دوتابعیتی‌شان مشاهده می‌شود.

۵- ظرفیت‌یابی و ظرفیت‌سازی‌های بین‌المللی: یکی از نگاه‌های مطرح در دیدگاه سوم در باب دوتابعیتی‌ها، توجه به نقش و جایگاه آنها در عرصه دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از ارکان دنیای امروز ارتباطات بین‌المللی است. وجود ۵ میلیون ایرانی که بخشی از آن به دلیل تابعیت مضاعفشان توانسته‌اند به سمت‌های بالای سیاسی همچون نمایندگی پارلمان و حتی مناصب اجرایی دست یابند می‌تواند مولفه‌ای برای پیگیری منافع ملی ایران در سایر کشورها باشد. چنانکه ملیسن (Melissen, ۲۰۰۵: ۱۸) عنوان می‌کند دیپلماسی عمومی یک راهبرد ارتباطی ویژه و هدفمند برای ساخت یک تصویر مثبت از یک کشور نزد افکار عمومی خارجی است لذا می‌توان از ظرفیت موجود و نیز تعامل سازنده با آنها به عنوان مولفه‌ای در تحقق این امر برخوردار شد. در این میان توجه به اصل ارتقای جایگاه گذرنامه ایرانی در عرصه جهانی امری ضروری می‌نماید تا فرد با میل بیشتری برای حفظ و بیان تابعیت ایرانی خود اقدام نماید.

نتیجه‌گیری

در جمع بندی کلی از آنچه ذکر شد می‌توان گفت که مسئله دوتابعیتی‌ها تا به امروز در میان دو دیدگاه صرفاً منفی و یا مثبت لاینحل باقی مانده که هزینه‌های بسیاری برای کشور به همراه داشته است. در این میان تحقق یک سیاست‌گذاری مدون و کاربردی برای حل نهایی این مسئله را در دیدگاهی میانه می‌توان یافت که در کنار پذیرش عوامل تاثیرگذار و ایجاد کننده گرایش ایرانیان به دریافت تابعیت مضاعف و یا حتی مهاجرت از کشور، در جهت رفع کاستی‌ها و عوامل مذکور گام برداشته شود. در این چارچوب ضمن تاکید بر لزوم توجه به مفاهیمی همچون نفوذ و خسارت‌های دوتابعیتی‌ها برای کشور، توصیه می‌گردد تا پیش از هر چیز این اطمینان در میان ایرانیان خارج از کشور و به تبع آن دوتابعیتی‌ها ایجاد گردد که رویکرد به وطن هزینه امنیتی، سیاسی و اقتصادی برای آنها به همراه ندارد و می‌تواند به عنوان یک شهروند ایرانی از تمام حقوق و مزایای تابعیت ایران برخوردار گردند. همزمان با این اقدام اصلاح دیدگاه متولیان امر و ایجاد هماهنگی میان تمامی دستگاه‌های مرتبط با مسئله دوتابعیتی‌ها و ایرانیان خارج از کشور نظیر وزارت امور خارجه، وزارت کشور، نیروی انتظامی، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و... امری ضروری می‌نماید. نکته مهم آن است که این فرآیند در کنار ایجاد بستر اطمینان بخش نسبت به فعالیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای تمامی ایرانیان داخل و خارج از کشور، جهت زدودن تفکر تبعیض و نبود فرصت برابر برای همه ایرانیان می‌تواند

مولفه‌ای جهت جلوگیری از گرایش افراد بیشتری به مهاجرت و یا دوتابعیتی شدن گردد. فرآیندی که در چارچوب مسئولیت دولت‌ها در قبال یکایک اتباع ایرانی داخل و خارج از کشور، منافع و امنیت ملی کشور قابل تعریف و اجرایی شدن می‌باشد.

ناگفته نماند که امروزه بسیاری از کشورها برآنند تا از ظرفیت‌های اتباع خود در سایر کشورها ولو آنهایی که دارای تابعیت مضاعف هستند برای پیشبرد ابعاد دیپلماسی عمومی و حتی مراودات رسمی با سایر کشورها و نمایش چهره‌ای دموکراتیک از خود در صحنه جهانی بهره گیرند. حال آنکه رفتارهای سلیقه‌ای در باب دوتابعیتی‌ها در ایران نه تنها مانع تحقق این مهم برای کشور شده بلکه حتی هزینه‌های بسیاری در صحنه بین‌الملل در قالب‌های حقوق بشری و حتی مراودات دیپلماتیک به همراه داشته است. مسئله‌ای که تحقق آن در درجه اول نیازمند تغییر دیدگاه مسئولان به ایرانیان خارج از کشور و یا دارندگان تابعیت مضاعف و در نهایت ظرفیت‌سازی برای بهره‌گیری از ظرفیت این افراد به عنوان شهروند و یکی از اعضای خانواده بزرگ ایران می‌باشد. مقوله‌ای که اقداماتی همچون صدور کارت ملی برای ایرانیان خارج از کشور بدون در نظر گرفتن تابعیت مضاعف آنها، ایجاد سامانه‌های الکترونیک پاسخگویی به سوالات و مطالبات ایرانیان خارج از کشور، ایجاد سامانه هوشمند اطلاع‌رسانی و اطمینان بخشی به ایرانیانی که قصد ورود به ایران را دارند (سامانه پرسمان تردد) و... گام‌های مقدماتی در تحقق این هدفگذاری می‌باشد که زدودن ذهنیت ایجاد شده در میان ایرانیان دوتابعیتی خارج از کشور مبنی بر بازداشت آنها در صورت سفر به ایران برای امتیازگیری از طرف‌های غربی در کنار تدوین سیاستگذاری راهبردی و کلان جهت پایان دادن نهایی به مسئله ایرانیان دوتابعیتی می‌تواند گام‌های نهایی در نیل به این مهم و تحقق مسئولیت دولت‌ها در این عرصه باشند.

تعارض منافع: تعارض منافع نداریم

منابع

- آل کجیاف، حسین، (۱۳۹۳)، *تابعیت در ایران و سایر کشورها*، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل
- ارفع‌نیا، بهشید، (۱۳۹۵)، *حقوق بین‌الملل خصوصی: تابعیت، اقامتگاه، وضع بیگانگان*، تهران، انتشارات بهتاب.
- الهویی نظری، حمید و کورکی نژاد قرایی، مجید، (۱۳۹۵)، «ضرورت‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی اصلاح برخی مواد قانون مدنی در خصوص تابعیت زنان»، *مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۶، شماره ۲.
- توسلی نائینی، منوچهر و پورمراد، رویا، (۱۳۹۶)، «اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران، بریتانیا و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، *پژوهش حقوق خصوصی*، سال ششم، شماره ۲۰.
- جهانگیری، علیرضا، کرمی، سمیه و امیری، علی، (۱۳۹۴)، *حقوق و تکالیف شهروندان با تابعیت مضاعف*، تهران، نشر فکرسازان.

- حاج حسینی، حسین، (۱۳۸۵)، «سیری در نظریه‌های مهاجرت»، فصلنامه راهبرد، دوره چهاردهم، شماره ۳.
- حاج یوسفی، امیر محمد و بهمرد، سمیه، (۱۳۸۵)، «چرایی مهاجرت نخبگان از ایران پس از پایان جنگ تحمیلی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره یک، شماره ۴.
- حاجی عزیزی، بیژن و عزیزی، ستار، (۱۳۹۰)، تابعیت در حقوق ایران و بین‌الملل، ناشر، دانشگاه بوعلی سینا.
- حسینی، سید احمد، کمالی، محبوبه و عبدلی، مهران (۱۳۹۶)، «آثار تابعیت مضاعف و راه‌های پیشگیری از آن»، فصلنامه دانش انتظامی سمنان، سال هفتم، شماره ۲۳.
- رستمی نژاد، امید، (۱۳۹۵)، تابعیت مضاعف در حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، انتشارات جاودانه.
- رصدخانه مهاجرت ایران، (۱۳۹۹)، سالنامه مهاجرتی ایران، پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف، تهران، دانش بنیان فناوری.
- رصدخانه مهاجرت ایران، (۱۴۰۰)، سالنامه مهاجرتی ایران، پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف، تهران، دانش بنیان فناوری.
- رصدخانه مهاجرت ایران، (۱۴۰۱)، سالنامه مهاجرتی ایران، پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه صنعتی شریف - عزیزی، آریا، (۱۳۹۸)، تابعیت مضاعف، تهران، قانون یار.
- زونیس، مارتین (۱۳۸۷)، روانشناسی نخبگان سیاسی ایران، مترجمان: صالحی، پرویز، امین‌زاده، سلیمان و لبادی، زهرا، تهران، انتشارات چاپخش.
- فرحدوست، محمد صادق، (۱۳۹۸)، تابعیت و تابعیت مضاعف از منظر حقوق بین‌الملل و رویه قضایی، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- قربانی، سید ایمان و شیرین، طهمورث، (۱۴۰۰)، «محرومیت نسبی و ظرفیت سازی برای بحران اجتماعی: مطالعه موردی حوادث ۱۳۹۶»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
- گودرزی، مرتضی، توکلی، احمد و پورعزت، علی‌اصغر، (۱۳۹۸)، «رویکردی میان‌رشته‌ای به مسئولیت مدنی دولت در خط‌مشی‌گذاری عمومی»، فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۳۳.
- مرندی، الهه و مظفری سسینی، خدیجه، (۱۳۹۹)، «نظام حقوقی حاکم بر استخدام و به‌کارگیری دارندگان تابعیت مضاعف در ایران»، فصلنامه حقوق اداری، دوره هفتم، شماره ۲۳.
- مقصودی، مجتبی، (۱۴۰۱)، «آسیب شناسی سیاستگذاری مرتبط با مهاجران افغانستانی در ایران»، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره هشتم، شماره ۲.
- مقصودی، مجتبی، (۱۴۰۱)، «مهاجرت و مرزهای بشر دوستانه، نقض حقوق بشر به نام حقوق بشر در اتحادیه اروپا»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره نوزدهم، شماره ۱.
- وحید، مجید، (۱۳۹۰)، «بسترهای کارآمد سازی طرح‌های بزرگ دولتی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴.
- یزدانیان، حمید، (۱۳۹۸)، راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در اداره امور ایرانیان خارج از کشور، تهران، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

–سرمایه ایرانیان خارج از کشور ۲۴ هزار میلیارد دلار برآورد می‌شود، تاریخ مراجعه به سایت ۱۱ مرداد ۱۳۹۷:

<https://www.mehrnews.com/news/4364101>

References

- Boll, A. M, (2007), *Multiple Nationality and International Law*, Martinus Nijhoff Publishers.
 - Faist, Thomas and Jürgen Gerdes, (2008), “ Dual Citizenship in an Age of Mobility”, Washington, DC: Migration Policy Institute.
 - Forcese, C, (2006), “ The Capacity to Protect: Diplomatic Protection of Dual Nationals in the 'War on Terror'”, *European Journal of International Law*, 17(2), 369-394.
 - Harpaz, Y, (2019), *Citizenship 2.0: Dual Nationality as a Global Asset*, Princeton University Press.
 - Herzog, Ben, (2010), “Chapter 4 Dual Citizenship and the Revocation of Citizenship”, *Research in Political Sociology*. 18. 87-106. 10.1108/S0895-9935(2010)0000018008.
 - Martin, D. A., & Hailbronner, K, (2003), *Rights and Duties of Dual Nationals: Evolution and Prospects*. Publisher: BRILL.
 - Mazzolari, F, (2005), "Determinants of Naturalization: The role of Dual Citizenship Laws" , *University of California; San Diego*, Center for Comparative Immigration Studies,
 - Melissen, J. (Ed.) , (2005), *The New Public Diplomacy Soft Power in International Relations* (1st ed.). Netherlands Institute of International Relations, Clingendael.
 - Spiro, Peter, (1997), “Dual Nationality and the Meaning of Citizenship”, *Emory Law Journal*. 46(4): 1411-1485.
 - Spiro, P. J, (2016), *At Home in two Countries: The Past and Future of Dual Citizenship*, NYU Press. <http://www.jstor.org/stable/j.ctt1803zs2>.
 - Vonk, Olivier, (2012), *Dual Nationality in the European Union: A Study on Changing Norms in public and Private International Law and in the Municipal Laws of Four EU Member States*, Publisher: Martinus Nijhoff Publishers.
 - United Nations, (1998), *Recommendations on Statistics of International Migration*, Revision 1 (58) , Publisher: United Nations.
 - International Instruments, Volume 1, (2007), UNHCR, *Refugees and Asylum, Statelessness, Internally Displaced Persons, Migrants, Human Rights*, Publisher: United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR) , Geneva, Switzerland.
- <https://www.Unhcr.org/ie/Media/International-Instruments-Volume-1-Unhcr-Refugees-and-Asylum-Statelessness-Internally>.

In Persian

- AleKajbaf, Hossein , (2014), *Nationality in Iran and other Countries*, Second Edition, Tehran, Publisher: Jungle.

- Alhooii Nazari, Hamid, Kourakinejad, Majid ,(2016), "Internal and International Legal Necessities to Reform some Provisions of the Civil Code Regarding the Nationality of Women", *Public Law Studies Quarterly*, Vol 46, No 2, 297-317.
- Arfania, Behshid , (2016), *Private International law: Nationality , Domicile , Position of Foreign Nationals*, Tehran, publisher: Behtab.
- Azizi, Aria , (2019), *Dual Citizenship*, Tehran, Publisher: Qonun Yar.
- Farahdoost, Mohammad Sadegh, (2018), *Citizenship and Dual Citizenship from the Perspective of International Law and Judicial Procedure*, Tehran, publisher: Judiciary Press and Publications Center.
- Goodarzi, Morteza, Pourezzat Pourezzat ,Ali Asghar , Tavakoli, Ahmad ,(2019), "An Interdisciplinary Approach to Civil Liability of Government in Public Policy" ,*The Socio-Cultural Research Journal of Rahbord* ,Vol8 ,No33, 53-82 .
- Haji Azizi, Bijan, Azizi, Sattar , (2011), *Nationality in International Law and Irans Law*, Hamedan, Publisher: Bu-Ali Sina University.
- Haj Hosseini, Hossein ,(2006), "An Excursion in Migration Theories", *The Scientific Journal of Strategy*, No. 41,32-46.
- Haj Yousefi, Amir Mohammad, Behmard, Samia , (2007), " A Survey of Brain Drain from Iran After the End of Iran-Iraq War", *Iranian Political Science Association*.no.4 , 27-66.
- Hoseini, Seyyed Ahmad, Kamali, Mahbobeh, Abdoli, Mehran , (2017), "The Effects of Dual Citizenship and Ways to Prevent it", *Journal of Semnan Police Science*. Vol.7 ,No.23 ,83-124.
- Iranian Migration Observatory,(2020), *Iran Migration Outlook*, Sharif Policy Research Institute of Sharif University of Technology.Tehran, Publisher: Danesh Bonyan Fanavar.
- Iranian Migration Observatory,(2021), *Iran Migration Outlook*, Sharif Policy Research Institute of Sharif University of Technology,Tehran, Publisher: Danesh Bonyan Fanavar.
- Iranian Migration Observatory,(2022), *Iran Migration Outlook*, Sharif Policy Research Institute of Sharif University of Technology,Tehran, Publisher: Danesh Bonyan Fanavar.
- Jehangiri, Alireza, Kerami, Somayeh, Amiri, Ali , (2015), *Rights and Duties of Citizens with Dual Nationality*, Tehran, Publisher: Fekrsazan.
- Maghsoudi, Mojtaba , (2022), "Pathology of Afghan Immigrant Policy in Iran In the Period of the Islamic Republic Iranian" ,*Journal of Public Policy* , Vol. 8, No. 2, 117-132.
- Maghsoudi, Mojtaba,(2022),"Migration and Humanitarian Borders Violation of Human Rights Called Human Rights in the European Union",*International Studies Journal (ISJ)*, Vol. 19, No. 1 (73) ,8-23.
- Marandi, Elaheh, Mozafari Sibani, Khadijah , (2020), "The Legal System Governing the Employment and Employment of Dual Citizenship Holders in Iran ",*Administrative Law*,vol.7,no23,201-223.
- Mehr News Agency: "<https://www.Mehrnews.com/News/4364101>" Viewed on 2/8/2017.

-Qorbani, Seyyed Iman, Shiri, Tahmures ,(2021), “ This Work Aims to Search for the Origin of Political and Social Protests Within this Event in Iran” *Journal of Social Research*. vol. 13, no.51,40-63.

-Rostami Nejad, Omid , (2016), *Dual Nationality in Private International Law*, Tehran, Publications: Javdaneh.

-Tavassoli Naini, Manouchehr, Pourmorad, Roya , (2017), “The principle of Unity of Nationality in Iranian”, Britain Law and International Conventions” ,*Jornal of Private Law Research*, Vol 6, No 20,9-33.

-Vahid, Majid , (2011), “Enhancing the Efficiency of Large-Scale Goverment Plans”, *Politics Quarterly*, Vol 41, No 4,323-335 .

-Yazdanian, Hamid, (2019), *Islamic Republic of Iran's Strategies in Managing the Affairs of Iranians Abroad*, Tehran, Publisher: University and Higher Research Institute of National Defense and Strategic Research.

-Zonis,Marvin,(2008), *The Political Elite of Iran*,Interpretes: Salehi Parviz, Aminzadeh, Suleiman and Labadi, Zahra, Tehran, Publisher: Chapakhsh .